

ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی

شقایق ترک زبان*^۱، اصغر محمد مرادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

^۲ دکترای معماری با تخصص مرمت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۹، تاریخ پذیرش نهائی: ۹۰/۱۱/۳)

چکیده

یکی از مشکلات شهرهای ما، توسعه ناهمگون و نامتعادل آنهاست. عدم توجه به گذشته، شامل محیط تاریخی، طبیعی بافت‌ها و بناها به لحاظ مسائل مختلف، اعم از بافت جمعیتی و فرهنگی و کالبد مابه ازای آن و هماهنگی توسعه جدید با بافت قدیمی یا ساخته شده اطراف، علاوه بر ناهمگونی و ایجاد هرج و مرج در سیمای شهری، و از بین رفتن تدریجی هویت شهرها، و عدم تطابق فرهنگی، تبعات دیگری نیز به دنبال خواهد داشت، چراکه معماری سنتی و بومی هر محل، در یک تداوم تاریخی و در راستای یک سیاست مبتنی بر استمرار به تدریج و در طول سالیان متمادی با طبیعت و محیط اطراف شکل گرفته است. طیف این مقوله می‌تواند جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در بر داشته باشد.

توجه کافی به توسعه پایدار شهرهای کشور، لزوماً نگاه به گذشته را پررنگ تر خواهد کرد. این نوشته برآن است تا ضمن بررسی منشورها، بیانیه‌ها و اصول جهانی مطرح شده در حوزه طراحی در بافت‌های تاریخی، به چگونگی طراحی معماری در این محدوده‌ها پردازد، ضمن اینکه رعایت اصالت و یکپارچگی موجود در آنها را به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر می‌پندارد. لذا پس از مطالعه معیارهای مطرح شده از سوی نظریه‌پردازان این امر، دستیابی به اصولی درباره طراحی معماری در کنار بافتهای قدیمی را میسر گرداند. این امر، طیف وسیعی از مداخلات مرمتی و حفاظتی و ساخت و سازهای جدید در مجاورت و یا درون این بافت‌ها را شامل می‌شود. در این مقاله، با تنظیم جدولی مبتنی بر اصول کلی طراحی معماری و مداخلات مرمتی در بافت‌های تاریخی، به تطبیق ضوابط و دستورالعمل‌های بین‌المللی مرتبط با آنها با رویکرد بومی سازی پرداخته شد.

کلید واژه‌ها:

ضوابط طراحی معماری، بافتهای تاریخی درون شهری، مدیریت تغییر، پیوستگی و یکپارچگی، زیبایی، سنت و اصالت.

مقدمه

همراه با رشد جمعیت، توسعه زیستگاههای مسکونی گریزناپذیر است، اما این توسعه در صورتی که ناموزون و به گونه‌ای شتابزده صورت پذیرد، منجر به ناهماهنگی و مخدوش شدن بافت قدیم می‌گردد. عدم توجه به گذشته شهرها و روند شکل‌گیری و توسعه تاریخی آنها، سبب شده تا توسعه امروزی آنها به گونه‌ای نامتناسب با شکل و هنجارهای شهر تاریخی صورت بگیرد. آنچه مسلم است، تغییر، جزء جدایی‌ناپذیر جهان ماده است و این چیزی است که نتیجه مستقیم گذشت زمان است. بنا براین، موضوع مهم در مواجهه با بافت‌های تاریخی مسأله زمان سپری شده و دست‌نیافتنی است، که حوادث تاریخی و بناهایی ارزشمند را در یک مجموعه به یادگار گذاشته است. آنچه که در برخورد با این فضاها باید مورد توجه قرار گیرد مسأله تغییر و مدیریت این تغییرات است، امری که به صورت ارگانیک و در طول مدت زمان در فضای شهری گاه به آهستگی و گاه همچون امروز با سرعتی غیرقابل انکار اتفاق افتاده است (ورتینگتن، ۱۹۹۸).^۱

با اینکه در سال‌های اخیر، توجه به روند فرسایشی بافت تاریخی شهرها و تجدید حیات مجدد آنها، در دستور کار نهادهای مسئول قرار گرفته و تمهیداتی هم در این راستا صورت گرفته - اما متأسفانه شاهد آن هستیم - آن است که روز به روز، این هسته‌های تاریخی ارزشمند یکی پس از دیگری در میان پیشرفت‌های نوین محیط‌های شهری خاموش شده و از بین می‌روند. شاید نگاهی کنجکاوانه‌تر و اقداماتی جسورانه‌تر لازم است تا به ریشه‌یابی دقیق نیازها و امکانات این بافت‌های ارزشمند پرداخته شود تا با بررسی فعالیت‌هایی که تاکنون صورت گرفته و نقد سنجیده آنها به راه حل‌های مطمئن‌تر جهت احیای این هسته‌های تاریخی دست یافت. با توجه به گستردگی

فضاهای تاریخی شهری در سرتاسر ایران و تنوع آب و هوایی موجود در این پهنه، لزوم مطالعات گسترده و یاری جستن از متخصصین خبره در سطح بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

هدف از این مطالعه، بررسی شیوه‌های مناسب و قابل اجرا در برخورد با بافت‌های تاریخی در شهرهای تاریخی درگیر با نوزایی درون بافتی است. اینکه چگونه می‌توان این بافت‌ها را در دل توسعه‌های جدید شهری حفظ کرد و جایگاه کاربردی مناسبی در شهرهای جدید برای آنها یافت، از بنیادی‌ترین موضوعات مورد نظر این مقاله است. از سوی دیگر، چگونه می‌توان ارتباط منطقی بین این پوسته‌های تاریخی با بافت کهن پسین آنها پیدا کرد، تا از این ره بتوان این مجموعه‌های شهری ارزشمند را در کنار فضاهای نوین، مورد بازخوانی و حفاظت قرار داد.

این ضوابط می‌تواند دارای ابعاد متنوعی از چگونگی تنظیم مناسبات زیستی، زیرساخت‌های سکونتی، طراحی شبکه دسترسی‌ها و روابط اجتماعی و فرهنگی حاکم و همچنین پرداختن به کالبد این بافت‌ها باشد. در عین اهمیت کلیه این جوانب، و لزوم پرداختن به همگی آنها با یک درجه اهمیت، این مقاله بر آن است تا به کالبد و نحوه برخورد با آن بپردازد که عینی‌ترین و ملموس‌ترین جنبه در اولین نگاه می‌باشد.

تعریف ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی درون شهری، موضوعی بسیار حساس و قابل توجه است که همواره و در طول چند دهه گذشته از سوی مجامع بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفته و در نتیجه آن، چندین و چند منشور و بیانیه بین‌المللی حاصل شده است. به علاوه، نظریه پردازان به فراخور و با تأکید بر ارزشهای فرهنگی، تاریخی این گونه بافت‌ها مسأله را از ابعاد گوناگون مورد تحلیل قرار داده و نظریات جامعی را در این زمینه مطرح ساخته‌اند. هدف در این مطالعه، دستیابی و تجمیع

با دستورالعمل های بین المللی جهت کاربرد در مواجهه با بافت های تاریخی.

نگاهی به تاریخچه اصول و منشورهای ارائه شده در خصوص طراحی معماری در بافت های تاریخی

با نگاهی به جنبش های صورت گرفته در خصوص حفاظت میراث^۲ در طول ۵۰ سال گذشته، نخستین نتیجه ای که حاصل می شود، این است که به طور کلی در طول هر یک دهه، کمیته بین المللی حفاظت^۳ روی یافتن راه حلی برای یک و یا دو چالش مهم و اصلی تمرکز داشته، در حالی که ممانعتی با سایر موضوعات مهمی که مشخص کننده یک دوره ماندگار هستند، ندارد.

از جمله، دهه ۱۹۶۰ به نام دهه اجماع نظریه های ساختمانی^۴ خوانده می شود. دهه ۱۹۷۰، دهه فهرست بندی میراث^۵ است، دهه ۱۹۸۰ دهه مدیریت محوطه ها^۶ بود؛ و دهه ۱۹۹۰ به عنوان دهه پذیرش و تعریف مقوله میراث نو^۷ بود، مانند: چشم اندازهای فرهنگی^۸، محوطه های مقدس^۹، زیستگاه های بومی^{۱۰}، که اینها اشتیاق محافل و مناظره های جهانی را در خصوص تعریف معنا و مفهوم اصالت برانگیخت. نتایج به دست آمده در طی دهه ۱۹۹۰، راه را برای دستیابی به ارزش های فرهنگی مادی و غیرمادی ویژگی های کالبدی در یک محوطه باز کرد و در طول مدت همین دهه سبب شد تا کاوش های گسترده ای در حوزه حفاظت از وجوه ناملموس میراث ساخته شده^{۱۱} (مصنوع) صورت گیرد. (آراوز، ۲۰۰۸)^{۱۲}

جنبش های صورت گرفته در طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. بیشتر شامل حفاظت به شکل زمینه گرا و تلاش برای همساز و هماهنگ کردن گذشته با زمان حال و یا «قدیم» با «جدید» بود. البته این فرایند با

ضوابط کلی طراحی و مداخلات معماری و مرمتی در بافت های تاریخی درون شهری است که تاکنون در سطح بین المللی و گاه در محافل داخلی مطرح شده اند. جهت گیری کلی ارائه راهکارهای عمومی مطرح شده است، تا از طریق دسته بندی و استخراج موضوعات پایه و اساسی مطرح در این حوزه و پی گیری راهکارهای پیشنهادی برای هر یک، الگویی جهت ارائه و استفاده آن در بافت های تاریخی کشور تهیه شود.

طراحی جدولی با این رویکرد، گامی جهت دستیابی به این مهم بود. هدف اصلی یافتن راهی برای فعال نمودن این ضوابط در حوزه مرمت شهری در شهرهای تاریخی کشور ایران بوده و نظر بر نزدیک نمودن آن به نیازهای بومی و مسایل عمده درگیر با بافت های تاریخی شهرهای کشور است. قابل ذکر است که در مطالعه، توجه عمده به منابع و تجارب بین المللی بوده و منابع داخلی هم با همین رویکرد مورد کنکاش قرار گرفته اند. سیر مطالعه صورت گرفته در این راستا به شرح زیر است:

مطالعه و بررسی تاریخچه موضوع در سطح بین المللی؛ مطالعه، بررسی و استخراج ضوابط مرتبط با موضوع از منشورها، بیانیه ها و دستورالعمل های بین المللی؛ مطالعه و بررسی منابع مکتوب داخلی و استخراج موضوعات مطرح شده در آنها؛ مطالعه و بررسی ضوابط مطرح شده از سوی نظریه پردازان و نگاهی به تجارب جهانی صورت گرفته در این راستا؛ جمع و دسته بندی ضوابط به ترتیب اولویت آنها در منابع مورد مطالعه و نیز بر اساس نیازهای موجود در بافت های تاریخی کشورمان تدقیق و تفکیک مسایل مورد نظر در طراحی معماری در بافت های تاریخی جهت انطباق با ضوابط مطروحه؛ ارائه و تنظیم جدولی جهت تنظیم ضوابط طراحی استخراجی و تطبیق آنها

که صحبت از بناهای منفرد به میان است و چه زمانی که هسته‌های کامل شهری مورد نظرند. ماده ۶۷ می‌گوید: مشروط بر آن که حفاظت آنچه گفتیم مستلزم از خود گذشتگی گروه‌های انسانی نباشد که با شرایط غیر بهداشتی درگیر هستند.

بر مبنای ماده ۷۰ این منشور، به کار بردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید واقع در محوطه‌های تاریخی به اتکای ادعاهای زیبایی شناسانه، به عواقب نامیمونی منجر می‌شود. به هیچ صورت نباید اجازه داد که این عادت تداوم یابد و به هر شکلی، اینگونه خواسته‌ها و اقدامات عملی شوند. و بر مبنای ماده ۹۵: منافع خصوصی، مشروط و تحت لوای منافع عمومی خواهند بود. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴)

نکته حائز اهمیت این است که بهسازی و مرمت بافت‌های شهری، به طور مجزا و مستقل و به عنوان یک مجموعه شهری زنده و پویا تا قبل از جنگ جهانی دوم هیچ گاه مورد توجه این کنگره‌ها قرار نگرفته بود. اولین سمینار بین المللی که به طور آشکاری به مرمت و حفاظت و بهسازی بافت‌های شهری توجه می‌کند، کنگره گوئیو^{۲۶} در سال ۱۹۶۰م. است. در این کنگره، اهمیت وضعیت اجتماعی شهرها ذکر گردیده و موارد و موضوعات بازسازی در یک قسمت از شهرها به عنوان عملی اجتماعی تلقی می‌گردد و از مقامات دولتی خواسته شده برای محافظت جنبه‌های هنری یک فضای زنده اقدامات لازم به عمل آید. (پورجعفر، ۱۳۸۳)

در ۱۹۶۲م. توصیه نامه یونسکو^{۲۷} به منظور حفاظت از زیبایی و ویژگی‌های مجموعه و چشم‌اندازهای محیطی شهری و روستایی تدوین گردید. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴) دو سال بعد در کنگره بین المللی ونیز^{۲۸} (۱۹۶۴م.) هم موضوع مرمت و بهسازی بافت‌های شهری مورد تأکید قرار گرفت. در اولین ماده از این قطعنامه آمده است: «مفهوم اثر تاریخی نه

تأکید بر «قدیم» و با توجه به مقیاس ساختمان‌ها، مصالح و سبک‌های معماری همراه بود.

سرانجام این فرایند به تفسیر آزادانه‌تری از ساختمان‌ها و محدوده‌های تاریخی تبدیل شد - در پس زمینه گرایشی کامل - مباحثات ادامه داری در مورد این که چه چیز باید در پس ظاهر مکان ساخته شود تا به سوی سازماندهی فضایی با خصایص فرهنگی عمیق گام برداریم، شکل گرفت. این جهت‌گیری پیش از آن که رسمی باشد وضعیتی تمثیلی است که براساس سازماندهی محیط شکل می‌گیرد.

در کوتاه مدّت با توسعه این رویکرد - در محدوده زمانی در حدود ۱۰۰ سال - گستره‌ای از ایده‌ها و برنامه‌هایی برای ارجاع و نگاه به گذشته را به دست آمد: حمایت^{۱۳}، مراقبت^{۱۴}، مرمت^{۱۵}، بازسازی^{۱۶}، حفاظت^{۱۷}، زمینه‌گرایی^{۱۸}، بازتفسیر^{۱۹} و باز تفسیر انتقادی^{۲۰}. بر این اساس، شاید بتوان رویکردهای کلی دیگری را که شامل احساس قدرشناسی نسبت به گذشته‌اند، مثل ایجاد هماهنگی^{۲۱}، اتصال^{۲۲} و درجه‌بندی^{۲۳} را اضافه کرد. مراقبت، محافظت و سایر فرایندها را می‌توان به صورت همزمان حتی برای یک محدوده اعمال کرد. به هر صورت، این بدان معناست که وقتی با فرصت‌هایی برای بازسازی در وضعیت‌های نامناسب شهری مواجه شویم باید به انتخاب برنامه‌ای مناسب که متشکل از ترکیبی از فعالیت‌های فوق‌الذکر است توجه بسیاری مبذول داشت. (جی رو، ۲۰۰۶)^{۲۴}

ابعاد جهانی مسأله

در سال ۱۹۳۱م. در شهر تاریخی آتن^{۲۵} انجمنی از باستان‌شناسان، معماران و مطلعان امور ابنیه اجتماع کردند و مقرراتی برای حفظ آثار باستانی تدوین نمودند، در ماده ۶۵ این منشور چنین آمده است: ارزش‌های معماری باید محافظت شوند، چه آن‌گاه

در آن، مجتمع های معماری، محله های شهری و روستایی است.

- کیفیت دوباره بخشیدن به محله های کهن، بدون دگرگونی های اساسی در ترکیب اجتماعی ساکنان. چند توصیه مهم کنگره آمستردام که مورد توجه است: ۱- ضرورت حفاظت از میراث معمارانه به عنوان یکی از اهداف اصلی طراحی شهری و ساماندهی سرزمین. در این رابطه، سیاست طراحی منطقه ای باید در برگیرنده نیازهای مربوط به حفاظت از میراث معمارانه انسانی باشد.

۲- حفاظت فراگیر به تصمیمات محلی مسئولیت بخشیده، آنها را متعهد کرده و شهروندان را به مشارکت می خواند. یکی از زیرمجموعه های این حفاظت فراگیر شامل تحلیل بافت مجموعه های شهری و روستایی برای بازشناخت شالوده های فضایی - کالبدی، کاربری های پیچیده آنها و ویژگی ها یا مشخصات کالبدی، فضایی مکان های معمولی می شود.

۳- شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در سیاست گذاری اقدامات حفاظتی فراگیر و جامع با این هدف که حفاظت به معنای ادغام میراث فرهنگی و کالبدی در زندگی اجتماعی است. (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۴)

در سال ۱۹۷۶، نوزدهمین اجلاس یونسکو در نایروبی به بیانیه ای انجامید که مسائل زیر در آن مطرح شد: در این بیانیه، ضمن انتقاد از شیوه های شهرسازی مدرن و تأثیر منفی آن بر بافت ها و مراکز تاریخی شهری و روستایی، ارائه یک برنامه حفاظتی را در دستور کار خود قرار داده و بر مداخله جامع مرمت شهری در این حوزه و مشارکت مالکان و ساکنان و جلوگیری از جا به جایی مردم بومی از محل سکونت خود تأکید می ورزد. این بیانیه همچنین پیشنهاد می کند که حداقل تغییرات در الگوی سکونتی ساکنان منطقه اتفاق افتاده و الگوهای مرسوم

فقط شامل ساخته های معماری منفرد می گردد بلکه فضای شهری و مناظر را نیز در برمی گیرد». در سال ۱۹۷۲م. باردیگر در کنگره رم^{۲۹} تأکید می شود:

«... اصالت و شخصیت کلی ارگانیزم های شهری باید مورد حفاظت قرار بگیرد ...».

در همان سال، ضمن سومین اجلاس کمیته ایکوموس در بوداپست، بیانیه ای صادر شده که بر اهمیت مجموعه های تاریخی و قدیمی به صورت بخشی از محیط انسانی تأکید دارد. هدف اصلی این بیانیه، تأکید بر استفاده از معماری معاصر در مجموعه های ساختمانی و باز زنده سازی ابنیه یا بافت با عملکرد مناسب است. (حیبی و مقصودی، ۱۳۸۴)

در ژوئیه ۱۹۷۳م. در کنگره ایکوموس^{۳۰} در شهر تاریخی زوریخ^{۳۱} سوئیس^{۳۲}، سال ۱۹۷۵م. را به عنوان سال اروپایی ذخائر معماری اعلام کردند و قرار شد، بررسی جامعی تحت عنوان «آینده ای برای گذشته ما» صورت بگیرد. برخی از مهمترین خواسته های کنگره ایکوموس به شرح زیر بود:

- شناخت حقایق ناشی از آگاهی و توجه عامه به ارزش اجتماعی معماری.

- شناخت آمادگیها و استقبالی که جامعه نوصنعتی پیشرفته اروپا به خصایص فرهنگی ویژه اش از امر حفاظت و احیای بناها و محوطه های تاریخی خواهد کرد.

- نحوه یا نحوه های همکاری و مقابله مقامات مسئول دولتی محلی با این فعالیت جدید در توفیق یافتن به امری که هدفش اجرای بعضی طرح های نمونه است. (پورجعفر، ۱۳۸۳)

کنگره آمستردام^{۳۳} در سال ۱۹۷۵ تدوین منشور اروپایی ثروت معماری^{۳۴} را در دستور کار قرار داد. این کنگره بر ملاحظاتی تأکید داشت که برخی از آنها عبارتند از:

- ثروت معمارانه اروپایی شامل ساختمان های با ارزش استثنایی منفرد و فضاهای محیط بر آن و محاط

خ- کارهای خاص و گوناگونی که شهر یا منطقه شهری در طول زمان به دست آورده است.

علاوه بر آن، این منشور بر لزوم مشارکت ساکنین و مداخله آنان در حفاظت شهرها تأکید داشته و حفاظت شهر تاریخی را مستلزم دوراندیشی، یک رهیافت منظم و انضباط عمل می‌داند. (غنی و همکاران، ۱۳۸۶)

بیانیه مکزیکوسیتی، در سال ۱۹۹۹م. در دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس در مکزیکوسیتی^{۳۶} ارائه شد. این بیانیه بر مفهوم جامع و جهانی میراث و تعامل آن با گردشگری تأکید دارد و آن را وسیله‌ای برای تبادل فرهنگی تلقی می‌کند. طبق این بیانیه فعالیت‌های گردشگری و حفاظتی در بافت‌ها و مجموعه‌های تاریخی باید با احترام بر علایق، سنن و خواست‌های مردم محلی و منطقه‌ای در جهت ارتقای سطح زندگی آنان همراه شود و این گونه اقدامات را می‌توان در قالب برنامه‌های آموزشی، تشریحی و تفسیری به انجام رساند. برخی اصول پیشنهادی این بیانیه عبارتند از: - ارزیابی میراث طبیعی، فرهنگی، تاریخی و هنری در دل توسعه پایدار و صنعت گردشگری. - ارزیابی مداوم اثرهای گردشگری بر مجموعه‌های میراث فرهنگی و تاریخی. - توجه به حرمت مکان‌ها، فعالیت‌های معنوی و سنت‌ها و هدایت گردشگران برای احترام بدین ارزش‌ها از طریق اطلاع رسانی مداوم. همین بیانیه در سال ۲۰۰۰م. مصوب دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس در مکزیکو به منظور حفاظت از میراث ساخت و سازهای بومی تدوین شد. این بیانیه، میراث ساخت و سازهای بومی را نمایانگر زندگی معاصر، سند تاریخی جامعه و بخشی از منظر فرهنگی می‌داند و معتقد است که آنها در معرض خطرند. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴)

و مطلوب در نوسازی در بافت‌های تاریخی رعایت شوند.

در سال ۱۹۸۲م. و در سومین اجلاس کشورهای آمریکایی بیانیه ترینیدا^{۳۵} از سوی کمیته مکزیکوی ایکوموس در ترینیدا تنظیم شد. این بیانیه، حفاظت، بهسازی و باززنده سازی سکونتگاههای کوچک با مشارکت مردم را به عنوان وظیفه اخلاقی دولتمردان و مردم تلقی می‌کند. در این بیانیه، انجام کلیه اقدامات رفاهی، متناسب با سنت‌ها و شیوه‌های زندگی ساکنان در دستور کار قرار گرفته است. این بیانیه، بر باززنده سازی سکونتگاه‌های کوچک، تداوم معماری بومی و استفاده از مصالح محلی (بوم آورد) تأکید دارد. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴)

منشور حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی (اکتبر ۱۹۸۷ - ایکوموس) بر لزوم حفظ و مراقبت از مناطق شهری تاریخی بزرگ و کوچک شامل شهرها، شهرستان‌ها و مراکز یا محله‌های تاریخی به اضافه محیط طبیعی و یا ساخته دست بشر تأکید کرده و اصول زیر را در این رابطه بیان می‌دارد:

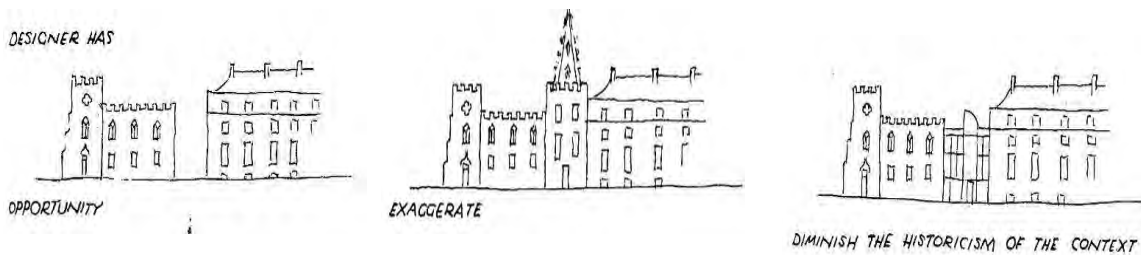
- خصوصیات که باید حفظ شوند، ویژگی تاریخی بودن شهر یا منطقه شهری و همه عناصر مادی و معنوی که این ویژگی را متجلی می‌سازند، دربرمی‌گیرند. بخصوص:

الف- الگوهای شهری که با معابر و خیابان‌ها مشخص می‌شود.

ب- ارتباطات بین ساختمان‌ها و فضاهای سبز و باز.

ج- شکل ظاهری - داخلی و خارجی - ساختمان‌ها که با مقیاس، اندازه، سبک، مصالح ساختمانی، رنگ و تزئینات مشخص می‌شود.

ح- ارتباط میان شهر یا منطقه شهری و محیط اطراف آن، هم محیط طبیعی و هم محیط ساخته دست بشر.



تصویر شماره ۲-۲- کاهش یا افزایش متن تاریخی (وارن، ۱۹۹۸)

تمایل افزونی برای پایداری با محیط اطرافمان حس می‌گردد، تمایلی برای حفظ اشیاء و مکانهایی که با آنها رشد نموده و آشناییم و نسبت به آن احساس هیجان و عشق داریم.

در هنگام کار با محیط تاریخی، نیازمند حساسیت به ریشه‌ها هستیم. هدف، حفظ ارزشهای گذشته است، در حالی که آمادگی تغییر بعضی اجزاء به منظور درج اجزای جدید برای انطباق یافتن با الگوهای نوین فعالیت، تکنولوژیهای در حال توسعه و امکان ادامه زندگی بنا و بافت فراهم می‌گردد. به عبارت دیگر، طراح خوب، تغییر و تعدیل را به گونه‌ای مدیریت می‌نماید که نه تنها گذشته را حفظ نماید، بلکه چیزی را به درک ما اضافه نموده در عین حال که موقعیتهایی را برای آیندگان می‌گشاید؛ چرا که بناها و بافتهای تاریخی برای زنده ماندن نیازمند آن هستند که مورد استفاده قرار گیرند. بافت جدید و قدیم را بایستی در هم تنید و بافت تا به فرایندی فراتر از صرفاً استفاده مجدد از بافت دست یازید. (ورتینگتن، ۱۹۹۸) ۳۷

شهرها در طول تاریخ، تغییرپذیری داشته‌اند و بقای شهرها همراه با استمرار زندگی روزمره شهروندان صورت گرفته و تغییر شکل واحدهای معماری - شهری توانسته است تضمین کننده بقای موجودیت و تداوم زندگی مدنی باشد. این مطلب در مورد شهرهای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به عنوان یکی از ویژگی‌های شهری ایران در دوران

ضوابط کلی طراحی

از مطالعه منشورها و بیانیه‌ها چنین برمی‌آید که از بین تمامی مسایل گوناگون مطرح در حوزه مداخلات



تصویر شماره ۱- طیف حفاظت و توسعه (ورتینگتن، ۱۹۹۸)

معماری و مرمتی در بافت‌های تاریخی، بخش‌هایی بین تمامی این بافت‌ها و مناطق (صرف نظر از اقلیم، فرهنگ و پیشینه تاریخی آنها) مشترک هستند. این مسایل که به عنوان ضوابط کلی طراحی در حوزه معماری و مرمت بافت تلقی می‌شوند، از دیدگاه نظریه پردازان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- مدیریت تغییر: به هنگام تفکر در بافت‌های قدیمی شهرها، چیزی که به صورت جداناپذیری از آن در ذهن خطور می‌نماید، مسأله زمان و گذشت زمان است. گذر زمان نیز به نوبه خود عجین با تغییر است. تغییر یک عامل، موجبات تغییر در دیگر عوامل وابسته را فراهم می‌نماید. بنا براین، نیاز به مدیریت این تغییر امری است که نباید نادیده گرفت. مسأله دیگر بافت‌های قدیمی امر توسعه و طراحی معماری در کنار این بافت‌هاست. برای انطباق با تغییر فزاینده،

در هنگام طراحی توجه به خصوصیات متن تاریخی مشتمل بر مقیاس، توده، بافت، فرم حجمی و سبک، حائز اهمیت هستند. سبک بنا آشنایی و مأنوس بودن را منعکس می نماید و کیفیت سبک بستگی به طراحی خوب معماری، یکپارچگی، بافت و شالوده، حجم و توده، ترکیب بندی و ریتم دارد. در ارزیابی طراحی یک بنا باید بیشتر به کیفیت آن توجه نمود نه به سبکی ویژه.

- **پیوستگی:** تمامی سیاستگزاران بر لزوم حس پیوستگی از پرسپکتیوهای مختلف، فارغ از هر گونه سبک، محیط، مشتریان و طراحان، تأکید می کنند. نکات برجسته ای که در مورد پروژه های جدید انجام یافته در نواحی مهم تاریخی قابل تأمل است، این است که همگی در عین توجه به تاریخ، به واژگان معماری قرن بیستم نیز توجه نموده اند؛ به گونه ای که می توان گفت: معماری مدرن امروزی دیگر قطع رابطه با گذشته و سنت ها نیست. (ورتینگن، ۱۹۹۸)^{۴۰}

- **یکپارچگی:** در حین ایجاد هر تغییری، حفظ یکپارچگی اصلی است که عمیقاً تمامی دیگر جنبه های طراحی را تحت تأثیر قرار می دهد. بدون یکپارچگی، کیفیات مقیاس، بافت، رنگ، تناسب و جزئیات کاربردی محدود خواهند داشت. البته واضح است بنایی که تمامی این ضوابط را دارا باشد، مقبولیت بیشتری در متن تاریخی پیدا خواهد کرد. اما فقدان یکپارچگی موجب کج فهمی می گردد. بنابراین، هر ساخت و سازی که اجازه نوآوری و خلاقیت را داده و در عین حال کمترین آسیب بصری را موجب گردد، به ایده آل ها نزدیک تر است.

- **زیبایی:** اساسی ترین ضابطه به اعتقاد کانتاکزینو - که ابتدا و انتهای هر گونه ضابطه ای است، زیبایی است. دیگر ملزومات عبارتند از:

بیان صحیح از عملکرد بنا؛ یکپارچگی یا صداقت در ساخت؛ سادگی طراحی که در عین اینکه به نیازها

رشد بازرگانی و توسعه صنایع دستی مورد بررسی قرار بگیرد. تغییرپذیری فضای شهری در ذات شهر قدیمی با ارزشی که به دست ما سپرده می شود، وجود دارد. شهر قدیمی که به دلیل پذیرفتن فعل و انفعالات گوناگون در فضای کالبدی اش، توانسته موجودیت حیاتی خود را پایدار نگه دارد، چگونه خواهد توانست از امروز به بعد تحت حفاظت مطلق قرار گرفته و تغییر شکل فضای کالبدی خود را متوقف سازد؟ (فلامکی، ۱۳۸۴)

- **دریافت مضامین نهفته در بافتهای تاریخی:** در توجه به بافت های تاریخی می باید به مفاهیم و مضامین نهفته در آنها دقت نمود، نه اینکه صرفاً به تقلید از این آثار پرداخت و لباس و پوشش سبکی تاریخی را به ساختمانها پوشاند که مضافاً موجب تحریف در زمان ساخت شده و تعلق بافت تاریخی را نیز فراهم آورد (وارن، ۱۹۹۸)^{۳۸}. در عین حال، نمی باید این تأثیر و دستیابی به تعادل با بافت قدیمی، مانع نوآوریهای معماری گردد.

مسئولیت طراحان: طراحان با حساسیت نسبت به محیط تاریخی، مسئولیت بزرگی را نسبت به کار خویش حس خواهند نمود. حس این آگاهی که کارشان می تواند بر زمان ظاهر در تاریخ که محیط آن را آشکار می سازد، تأثیر گذار باشد. اگر طرح بی جهت تاریخی باشد، ممکن است باعث شود محیط بیش از حد تعادل، ظاهری تاریخی بیابد. بالعکس اگر مصالح جدید و مخل تزریق گردد کیفیت تاریخی محیط کاهش خواهد یافت. بنابراین، قدرت طراحان در این است که با حس مسئولیت، احترام به شخصیت ویژه محیط و نگرش اصولی نسبت به تغییر، توسط کاهش یا افزایش متن تاریخی، موجبات بهبود بافت را فراهم آورند. (وارن، ۱۹۹۸)^{۳۹}

وجود هر زمینه تاریخی الگوهای پیچیده ای از تأثیرات و فشارهایی را بر اطرافش ایجاد خواهد نمود.

بناهای مدرن جای آن خالی است. عموماً در بناهای مدرن جزئیات غایب هستند و بنا خالی از مدلسازی یا مفصل بندی است که همین امر موجب فقر معماری مدرن می شود.

ج - سادگی: دیگر کیفیت معماری وابسته به زیبایی، سادگی است. زیبایی با حقیقت و سادگی عجین است، ولی الزاماً هر چه ساده باشد زیبا نخواهد بود. روبرت ورتوری^{۴۲} در کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» اینگونه اظهار می دارد: تعریف زیبایی معادل سادگی است و جسم زیبا هیچ بخش زائدی نخواهد داشت. از نظر ابه لاگیر نیز سادگی با صداقت عجین است به مانند طبیعت که «آشکار»، «با صداقت» و «راستگو» است. (کانتاکزینو، ۱۹۹۸)^{۴۳}

د- هماهنگی: ایجاد هماهنگی موضوعی وابسته به ارتباط و نسبت است. خلاقیت می تواند اجزای متفاوت قدیم و جدید را به کلّیتی واحد تبدیل کند. یک بنا می تواند درون خودش هماهنگ باشد و یا با ابنیه همجواریش هماهنگ گردد. همچنانکه می تواند با ابنیه مجاورش در تضاد باشد، در حالی که درجات متفاوتی از تضاد وجود دارد. بر طبق نظر استراوینسکی «تضاد، المانی از تنوع است، اما توجه ما را تقسیم می کند. ایجاد تضاد به طور مشابه نیز ایجاد شده تا تشنه وحدت باشد». (استراوینسکی، ۱۹۷۴)^{۴۴}

ثبات و سازگاری، نظم و قاعده، آداب و رسوم و قواعد یک خیابان یا میدان، یا هم جنسی و یک جوری یک ناحیه باید در هر کار جدیدی مورد احترام قرار گیرد؛ و برای نشان دادن این احترام، لازم است ابتدا کیفیات مکان مورد شناسایی، ارزیابی و درک قرار گیرد، همچون خصوصیات ارتفاع، توده و حجم و خطوط محیطی ضروری است، قبل از اینکه به درمان نما پرداخته شود. اغلب اوقات، مناسب ترین و هماهنگ ترین طراحیها کاملاً معمولی هستند، مانند

پاسخگو است، بخش زائدی را نمایش نمی دهد و بالاخره هماهنگی که هم در درون بنا و هم در ارتباط با محیط شهری گسترده تر اطرافش، مورد نیاز است.

وی علی رغم دیگر نظریات رایج، بازگشت به سبکهای بومی اولیه و استفاده از مصالح سنتی را راه حلی مؤثر ندانسته و بر حفاظت از مقیاس، بافت و هماهنگی تأکید می نماید. (کانتاکزینو، ۱۹۹۸)^{۴۱}

الف - راستی و حقیقت: راستی، دارای جنبه های گوناگون است. بیانی صادقانه از عملکرد یک بنا که ما را قادر می سازد تا آن را آنچنان که هست، تشخیص دهیم. طراحی نماهایی که نمایانگر پلان و مقطع بنا و منعکس کننده وحدت فضایی داخلی هستند.

ب - یکپارچگی: وجه دیگری از راستی، یکپارچگی یا درستکاری است. به طور نمونه اگر ضوابط معماری سنتی در اتصال بخش های مجزا، مفصل بندی را رعایت می کند، ساختمانهای جدید نیز می توانند این ضوابط را در مجموعه ساخت و ساز خود رعایت نمایند. یا به طور مثال، نیازمند آن هستیم تا عملکرد بنا را بشناسیم، طریقی که بنا به نیازهای به خصوصی همچون کارآیی انرژی پاسخگوست، شیوه ای که بنا ساخته می شود، مصالحی که با آن ساخته می شود و گونه ای که در پلان کلی ناحیه جایگزین می گردد. طراحی، علاوه بر نما، پلان و مقطع را نیز شامل می گردد. یک نما، باید نه تنها به خیابان یا میدان روبروی خود توجه کند، بلکه باید با پلان و مقطع پشت خود نیز ارتباط داشته باشد. نمایی که حقیقت را پنهان کند یا سعی در فریب دادن نماید، آشکارا مانعی است در جهت ادراک و تقدیر آن.

جزئیات در معماری مدرن شبیه تزئینات یا دکوراسیون در معماری سنتی است. قوانین معماری سنتی در طی سالیان به تزئینات نقشی فراتر داده و در عین لذت بخشی به چشمان بیننده، بالاخص در درون بنا، حسی از نظم و مقیاس ایجاد می کند که در

تعبیر فیلسوف برجسته لیونل تیریلینگ^{۴۸} راه حل های بسیاری برای ارائه گسترده تر مفهوم و اهمیت آن در

دادگاه طراحی شده توسط لئونارد ماناسه. (کانتاکزینو، ۱۹۹۸)^{۴۵}



تصویر شماره ۲-۳. دادگاه مرکز کینگز لین (کانتاکزینو، ۱۹۹۸)

مبحث حاضر (این پژوهش) وجود دارد. اول این که اصالت را می توان مشخصاً به تعلق داشتن به شخص، جامعه، مکان و زمان خاصی تعبیر کرد. ایده اساسی دیگری را که در هر کار به عنوان درون مایه اساسی و معیاری برای اصالت مطرح می کند، نقش مایه اصلی است که مکرراً در اثر به کار گرفته می شود. به طور جامع تر، این مبحث می تواند نشان دهنده کل یک منطقه و یا شیوه زندگی باشد. به عنوان نمونه، شهر اصفهان لبریز از نقش مایه ها است که در بازارها، میدان ها و باغ هایش و به طور کلی در روش زندگی مردمانش حضور دارد. به طور خلاصه می توان گفت: کارهای اصیل نقش مایه هایی درون دارند که نه فقط برای ادراک خود کارها، بلکه به خاطر واقع شدن در مکانی خاص و در زمانی خاص نقش اصلی دارند. اینگونه نقش مایه های تکرار شونده، می توانند مافوق زمان، مکان و بدون از دست دادن اهمیت خود حتی زمانی که به طور سطحی تغییر می کنند یا به روز می شوند، وجود داشته باشند. به طور مثال، ویژگی های ضروری درونی و فضایی طراحی شهری حتی اگر به گونه های مختلف و به طور سطحی ارائه شود، می تواند از صفت مشابهی بهره مند باشد. به طور واضح، این کاربرد از مکانی به مکان دیگر متفاوت

- سنت و هویت: رویکرد مداوم به نوحواهی و مدرنیسم زاینده نیازهای اجتماعی و اقدامات مقطعی و شتابزده است و حوزه و محدوده ساختار سنتی را با تغییرات عمده روبه رو ساخته است. (کیانی، ۱۳۸۵) در طراحی نوین در محوطه های تاریخی توجه به سنت ها بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که به عنوان نیروی محرکه شهر عمل می کند. معماران قدیمی، بر اتصال خود با تاریخ، تأکیدی فراوان داشتند و تلاش کردند تا تاریخی تصویری را باز آفرینی نمایند و در عین نگاه به گذشته مدرن نیز داشتند. (آدام، ۱۹۹۸)^{۴۶} پیتر جی رو، در این ارتباط به سنت و اصالت پرداخته و معتقد است: «سنت می تواند شامل معیارهایی باشد، برای این که استفاده از چه چیزی در بافت، «درست» و «مناسب» است. اگر بخواهیم در معنای آن دقیق تر شویم، سنت از کلمه لاتین «ترادیتی - یو»^{۴۷} سرچشمه گرفته که در رم باستان تا حدودی به معنای انتقال از زمانی به زمان دیگر، راهنمایی دادن و تا حدودی راهنمایی مفید ارائه کردن است. در بسیاری از موقعیت ها، سنت با این مفهوم وام گیری از گذشته در اکثر موارد - اما نه همیشه - ایفای نقش خواهد کرد. اصالت، بدون شک ارزش و هدفی پسندیده برای طراحی شهری در بافت سنتی در هر زمانی است. به

شیوه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در برخورد با بافت‌های تاریخی است. از این رو تلاش شده، تا نیازها و کمبودهای مدیریتی و کالبدی موجود در محدوده بافت‌های تاریخی مورد تأکید قرار گیرد.

به طور عمده، در حال حاضر، بافت‌های تاریخی درون شهری کشور با مشکلات عمده‌ای در حوزه کالبد معماری، منظر، شبکه دسترسی‌ها، یکپارچگی درونی بافت و مالکیت ابنیه درگیر هستند. البته، مسائل ریزتر و فراوان‌تری نیز به چشم می‌خورد که گاه در مناطق مختلف به شکل‌های گوناگون بروز پیدا کرده‌اند. البته، بسیاری از آنها از همین چند مسأله عمده مطرح شده سرچشمه می‌گیرند. لذا در این پژوهش، رویکرد عمده بر مسایل عمومی‌تر استوار شده و جداولی جهت بررسی و ارائه راهکارهای بین‌المللی در رابطه با آنها تنظیم گردیده است.

- **وجه خاص طراحی:** وجوه خاص طراحی معماری در برخورد با بافت‌های تاریخی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- ۱) کالبد معماری در بافت تاریخی
الف) گونه‌شناسی
ب) الگو
ج) مواد و مصالح
د) دانه‌بندی
و) عرصه و اعیان
ه) جزئیات معماری
ی) هماهنگی با محیط طبیعی پیرامونی
- ۲) پیوستگی و یکپارچگی بافت تاریخی و بافت پیرامونی ملحق به آن
- ۳) کاربری‌های موجود و ملحق به بافت:
الف) معیشت
ب) تطابق با محیط اطراف
۴) شبکه دسترسی‌های بافت تاریخی
۵) منظر بافت تاریخی

خواهد بود و این که دستورالعمل خاصی برای پیروی در تمام نقاط وجود ندارد و در هر زمینه‌ای باید به ارزش‌های درونی‌اش توجه کرد، واضح است. (جی رو، ۱۳۸۴)^{۴۹}

تجربه بررسی توازن میان حفظ بافت تاریخی و ساخت و ساز جدید در شهر بوستون^{۵۰}، نشان داد: ممکن است شایستگی بناها در اصالت تاریخی شان باشد و نشانه آن هم سنت‌گرایی ضابطه‌مند در اجزا و عناصر آنهاست. ترکیب‌بندی‌های استوار از آجر قرمز با پوسته نازکی از تزئینات و یک یا دو برگبر^{۵۱} یا گچبری در بالای ورودی و برای اقلان نیازهای «سبک بوستون» پدید آمدند. این تزئینات اگر که سنت‌گرایی تصنعی نباشند، معماری بوستون را بسیار لطیف ساخته‌اند. (کریگر، ۱۳۸۴)^{۵۲}

اصول و ضوابط مدون طراحی در بافت تاریخی

لزوم توجه و به کارگیری منشورها و آیین‌نامه‌ها در حوزه اجرا و به خصوص در برخورد با بافت‌های تاریخی امری بدیهی است، اما اینکه تا چه اندازه این دستورالعمل‌ها به کار گرفته می‌شوند و مسئولین و مجریان شهری به آنها پایبند هستند، مسأله دیگری است. در نگاه کلی آنچه به عنوان یک اصل فراموش شده به چالش گذاشته می‌شود، کاربردی کردن همین دستورالعمل‌ها در برنامه‌ریزی بافت‌های تاریخی شهری است. وفاداری به دستورالعمل‌های ذکر شده و بومی کردن آنها براساس نیازهای موجود در یک بافت تاریخی، باید به عنوان یک هدف در دستور کار هر برنامه مرمتی و حفاظتی بافت قرار گیرد. در این پژوهش، جهت نیل به این هدف، به بررسی وجوه خاص طراحی در محیط‌های تاریخی پرداخته شد. در ادامه اصول و ضوابط مرتبط با این وجوه مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. در این استخراج و انطباق، نکته اساسی که مورد توجه قرار دارد، کاربرد

الف) تراکم
ب) پراکندگی
- ضوابط و استانداردهای مدون:

ج) خط آسمان
۶) مالکیت ابنیه در بافت‌های تاریخی

جدول شماره ۱. ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری در بافت‌های تاریخی در تطبیق با وجوه خاص طراحی معماری در آنها

ضوابط و استانداردهای مدون	وجوه خاص طراحی
لزوم حفظ الگوهای معماری سنتی در طراحی در بافت‌های تاریخی هماهنگی با محیط طبیعی و مقوله زیست محیطی و جغرافیایی هماهنگی با محیط تاریخی حساسیت به ریشه‌ها لزوم مدیریت تغییر با گذشت زمان توجه به زیبایی بافت، سادگی طراحی در عین توجه به نظم، وحدت، ارتباط و وابستگی، تعادل و هماهنگی و پرهیز از تضاد زیاد توجه به شکل و فرم و ترکیبات به کار رفته در ابنیه و بافت پیرامونی آنها	کالبد معماری الف) گونه شناسی ب) الگو ج) مواد و مصالح د) دانه بندی و) عرصه و اعیان ه) جزئیات معماری ی) هماهنگی با محیط طبیعی پیرامونی
حفاظت به شکل زمینه گرا (هماهنگی جدید با قدیم) اصالت و شخصیت کلی ارگانیزم‌های شهری باید مود حفاظت قرار بگیرد. حفاظت فراگیر: شامل تحلیل کالبدی-فضایی و بازساخت شالوده‌های آن کیفیت دوباره بخشیدن به محله‌های کهن بدون دگرگونی‌های اساسی در ترکیب اجتماعی ساکنان دقت در مضامین نهفته در بافت تاریخی لزوم ایجاد یکپارچگی در متن تاریخی	پیوستگی و یکپارچگی

جدول شماره ۲. ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری در بافت‌های تاریخی در تطبیق با وجوه خاص طراحی معماری در آنها

ضوابط و استانداردهای مدون	وجوه خاص طراحی
توجه به ارزش‌های اجتماعی معماری و شناخت حقایق ناشی از آگاهی عامه به این موضوع توجه به کار و ویژه‌های گوناگونی که منطقه شهری در طول زمان به دست آورده است توجه به کاربری‌های هماهنگ با کالبد تاریخی توجه به اصل تغییر در نوع معیشت ساکنین بافت اجرای فعالیت‌های گردشگری و حفاظتی در بافت‌ها و مجموعه‌های تاریخی با احترام بر علایق، سنن و خواست مردم محلی در جهت ارتقای سطح زندگی آنان کاربری که بتواند بخشی از نیازهای خدمت‌مندی مورد نظر را تأمین کند هماهنگی با محیط و اقلیم حفظ مناسبات زیستی اصیل و پرهیز از تغییرات دستوری	۳- کاربری الف) معیشت ب) تطابق با محیط اطراف
حفظ الگوهای شهر تاریخی شامل شبکه معابر و خیابان‌ها حفظ نظام ارتباطی بین محلات و محورهای حرکتی شهر تاریخی (همچون بازار و ابنیه عمومی) تقویت میدل‌ها و کاتالیزورها مدیریت ترافیک به جای مهندسی ترافیک صرف تأمین پارکینگ‌ها و توقف‌گاه‌های موقتی و دائمی	۴- شبکه دسترسی
لزوم حفظ پیوستگی در خط آسمان نهایی لزوم حس پیوستگی از پرسپکتیوهای مختلف ایجاد ارتباط بین ساختمان‌ها با فضاها، سبز و باز توجه به سنت‌ها به عنوان نیروی محرکه شهرها	۵- منظر بافت تاریخی الف) تراکم ب) پراکندگی ج) خط آسمان
تدوین و تنظیم قوانین متناسب در راستای اهداف حفاظت و احیای بافت تشویق و ایجاد انگیزه در ساکنین بومی بافت‌های تاریخی جهت حفظ ارزش‌های بومی بافت و جلوگیری از خروج آنان از بافت تاریخی	۶- مالکیت

تغییرات پیش آمده است. عدم برنامه ریزی صحیح و بی توجهی به روند روزافزون ساخت و سازها و تغییرات بی برنامه ای که در بافت های تاریخی فرسوده پیش می آید، سبب تخریب بیش از اندازه این محدوده ها شده است تا جایی که این بافت ها امروز خود، یکی از ناهنجاری ها و معضلات شهری به حساب می آیند، به جای اینکه یک عنصر ارزشمند، پویا و تأثیرگذار در ماهیت شهری باشد.

اصول و ضوابط استخراج شده در این پژوهش، گامی کوچک در جهت نظام مند ساختن طراحی ها و مداخلات جدید در بافت های تاریخی است. رعایت این اصول و به خصوص بومی ساختن آنها، در راستای نیازهای محلی و جغرافیایی هر منطقه می تواند تأثیر بسزایی در روند حفاظت شهرهای تاریخی رو به نوزایی درون بافتی داشته باشد. ارائه ضوابط این چنینی و تدقیق جزئیات اصول طراحی معماری برگرفته از هویت بومی معماری و شهرسازی منطقه، مهم ترین گامی است که امروز باید در برنامه های مدیریتی و حفاظتی این بافت ها گنجانده شود.

نتیجه گیری

توجه به بافت های تاریخی به عنوان قلب تپنده و ساختار اصلی شهرهای تاریخی، مسأله مهمی است که گاهی در برنامه ریزی طرح های جامع و توسعه های شهری نوین به فراموشی سپرده می شود. این که ماهیت تاریخی، فرهنگی، معماری و در یک کلام زیست بومی یک سرزمین به جرم کهنه شدن و عدم تطابق با پیشرفت های روز محکوم به زوال و نابودی شود، اتفاقی است که امروز به وفور در شهرهای تاریخی کشور پیش می آید. ادامه این روند یعنی فراموشی، بی هویتی و از دست دادن تمامی تعلقات بومی و فرهنگی.

در بررسی دیدگاه های مجامع جهانی به مسأله ارزش های تاریخی موجود در بافت تاریخی شهرها، سعی شد تا با مرور این ارزش ها، به راهکار مناسبی در برخورد و حفاظت از آن دست پیدا کرد. بنابراین اصول و ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی به عنوان یک اصل مطرح شد تا از این راه بتوان به مقوله حفاظت هدفمند پرداخت.

ضعف اصلی موجود در بافت های تاریخی شهری، عدم هماهنگی این محدوده ها با پیشرفت ها و نیازهای نوین شهری، فرسودگی کالبدی و جاماندگی از

یادداشت ها:

- 1- Worthington
- 2- Heritage-conservation
- 3- The international preservation community
- 4- Building theoretical consensus
- 5- Heritage inventories
- 6- Site management
- 7- New heritage
- 8- Cultural landscapes
- 9- Sacred sites
- 10- Vernacular settlements
- 11- Built heritage
- 12- G.F.Araoz
- 13- Protection
- 14- Preservation

- 15- Restoration
- 16- Reconstruction
- 17- Conservation
- 18- Contextualism
- 19- Re-interpretation
- 20- Critical Re-interpretation
- 21- Juxtaposition
- 22- Hybridization
- 23- Gradation
- 24- P.G.Rowe
- 25- Athens
- 26- Gubbio
- 28- UNESCO
- 29- Venice
- 30- Rome

- | | |
|--|---------------------|
| 31- ICOMOS | 42- Contacuzino |
| 32- Zurich | 43- Robert Venturi |
| 33- Switzerland | 44- Contacuzino |
| 34- Amsterdam | 45- Stravinsky |
| 35- Architectural Heritage | 46- Contacuzino |
| 36- Tlaxcala | 47- Adam |
| 37- 12 th General Assembly Mexico | 48- traditio |
| 38- Worthington | 49- Lionel Trilling |
| 39- Warren | 50- P.G.Rowe |
| 40- Warren | 51- Boston |
| 41- Worthington | 52- motif |
| 27- Alex Krieger | |

منابع و مآخذ

- ۱- جی.رو، پیتز، (۱۳۸۴)، گفتگوی جهانی: طراحی شهری در بافتهای تاریخی در زمان حاضر، مجله آبادی، شماره ۴۹، ۶ و ۷.
- ۲- حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی، (۱۳۸۴)، مرمت شهری (تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری)، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- کریگر، آلکس، ترجمه: مزدک مزدی، (۱۳۸۴)، تداوم، گسترش و باز تعریف سنتهای شهرسازی (جستجوی توازن میان حفظ و توسعه در بوستون)، مجله آبادی، شماره ۴۹، صص ۲۲-۳۰.
- ۴- پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۳)، مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.
- ۵- غفاری، علی و مهبان کتابی، (۱۳۸۴)، معماری جدید در بافت سنتی طراحی دانشکده هنر و معماری در بافت قدیم بوشهر، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۴۹، صص ۶۶-۸۱.
- ۶- کیانی، مصطفی و گلزار یونسی، (۱۳۸۵)، طراحی در محدوده‌های تاریخی و نگرشی بر یک طرح باززنده سازی در مجموعه تاریخی شوشتر، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۵۱، صص ۷۴-۷۹.
- ۷- اهری، ز، م. حبیبی، (۱۳۷۴)، زبان طراحی شهری در شهرهای کهن، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم - کرمان، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۸- حبیبی، ک. و ا. پوراحمد، و ا. مشکینی، (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۴- غنمی، ا. و ی. صمدی، و س. چراغچی، (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین، مقررات، آیین نامه‌ها و معاهدات سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات.
- ۱۰- فلامکی، م. م. (۱۳۸۴) سیری در تجارب مرمت شهری «از ونیز تا شیراز» (چاپ دوم)، نشر فضا.
- ۱۱- کلاتری، ح. و ا. پوراحمد، (۱۳۸۵)، فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

منابع لاتین

- 1- ADAM, R. (1998) Tradition: the driving force of urban identity. IN WARREN, J., WORTHINGTON, J. & TAYLOR, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press.
- 2- CANTACUZINO, S. (1998) Assessing quality: the pertinent criteria for designing buildings in historic settings. IN WARREN, J., WORTHINGTON, J. & TAYLOR, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press
- 3- STRAVINSKY, I. (1974) *The poetics of Music*, Harvard, Harvard University Press
- 4- WARREN, J. (1998) The historic context: principles and philosophies. IN WARREN, J., WORTHINGTON, J. & TAYLOR, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press.
- 5- WORTHINGTON, J. (1998) managing and moderating change. IN WARREN, J., WORTHINGTON, J. & TAYLOR, S. (Eds.) *Context: new buildings in historic settings*. York, Architectural Press.
- 6- Araoz, G.F. (2008) 'World-Heritage historic urban landscapes: defining and protecting authenticity' APT 2008-Association for Preservation Technology International, 2/3 July, 33-37.
- 7- <http://www.jstor.org> (2008), (2009), (2010)
- 8- <http://www.icomos.org> (2008), (2010)
- 9- <http://www.UNESCO.org> (2008)